

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

شاهد عینی
۳۰ دسمبر ۲۰۲۱

ادامه فرار افغان ها از جهنم و زندان بی در و پیکر طالبان (افغانستان)



صف طویل مسافران افغان برای عبور از بندر اسلام قلعه قبل از ورود به خاک ایران

از روز نخست سرازیر شدن مزدوران خون آشام طالبان به کابل و پهن کردن بساط امارت اسلامی شلاق و تازیانه در کشور، افغانستان در آستانه و آغاز فصل زمستان به زندان بی در و پیکر بزرگی به باشندگانش اعم از بقایای دولت مزدور غنی، و به ویژه به زحمتکشان، زنان و کودکان گرسنه، بیکار و بی روزگار و مریضان بدون مداوا، مبدل شده است. امپریالیست های اشغالگر امریکا و شرکای ناتوی و غیرناتوی تجاوز و اشغالگری شان به عجله و شتابزده

تعدادی از مزدوران به درد بخور شان را که در تجاوز، جنایت و اشغالگری و کشتار مردم افغانستان، اشغالگران قاتل را که به قیمت ارتکاب جنایت و خیانت ملی، همراهی کردند؛ برای نگه داری در آستین توطئه، از طریق هوا و زمین به بیرون از افغانستان انتقال دادند.

در این میان تعدادی از تسلیم طلبان و تسلیمی ها به اشغالگران همراه با منسوبان ملکی، نظامی و استخباراتی دولت خیانت ملی قبلی که در آن جا مانده اند، به دلیل ارتکاب جفا و خیانت به آرمان، به کشور و به مردم خود، در حالت خوف و اختفاء به سر می برند و راه فرار می جویند. برخی از این افراد جا مانده نظامی - استخباراتی دولت مزدور غنی فراری در محلات توسط جواسیس و افراد طالبان شناسائی شده و در معرض انتقامجویی و خشونت جواسیس و شبه نظامیان طالب قرار می گیرند و شکنجه، ترور یا محاکمه صحرایی می شوند.

مزید بر این مزدوران و خودفروختگان در خدمت متجاوزان دیروزی؛ سیاست ها و برخورد های فاشیستی طالبان در قبال افراد و گروه های غیرطالبانی مثل زنان، جوانان دانشجو و افراد علمی - فرهنگی؛ ترس و نفرت همگانی از تمامیتخواهی و انحصارگری امارت اسلامی و دره و شلاق و سنگسار و زندان و شکنجه پولیس مذهبی این امارت وحشی قرون وسطائی در غیاب کار و کسب و درآمد لازم برای ادامه زندگی، در غیاب نیروی متریقی حاضر در صحنه که باعث امیدواری و ایستادگی این طیف ها به ویژه جوانان شود، اسباب فرار دسته جمعی جوانان بیکار و خانواده های زحمتکش و بی بضاعت یا کم بضاعت را فراهم کرده است. در نتیجه مردم به اشکال مختلف قانونی و عمدتاً غیرقانونی راه فرار از کشور را می جویند. داستان این تعداد افغان هائی که دست به پناهندگی از راه های غیرقانونی به دو کشور ایران و پاکستان و از ایران به مقصد ترکیه و اروپا، می زنند خیلی غم انگیز است.

به دلیل فقدان مسیر های هوائی خروج آزادانه از کشور، بسته بودن مرز های شمال افغانستان و مشکلات اخذ ویزه از دولت های آسیای میانه؛ اخذ ویزه از منابع ایرانی و پاکستانی به دلیل موانع، فساد و رشوت خواری گسترده، با مشکل و محدودیت جدی برای افغان هائی که قصد خروج از کشور را داشته باشند، برخورد کرده است.

برای نیرو های مرزی و مراکز قونسل هر دو کشور ایران و پاکستان، بازار گرمی ایجاد شده است، برای اخذ ویزه از ایران و یا پاکستان باید از طریق واسطه (دلال) همراه با پول رشوت درخواست نامه بفرستی و حدود دو هفته یا بیشتر از آن صبر کنی. پس از اخذ ویزه، به دلیل بسته شدن متواتر مرز های تورخم، اسلام قلعه یا چمن به دلائل امنیتی و تصامیم یک جانبه مقامات دولتی ایران و پاکستان و ازدحام بیش از حد مسافران افغان در نقطه مرزی در این سه بندر زمینی، به ویژه اسلام قلعه و تورخم، رسیدن به مرز و گذشتن قانونی از آن، با دشواری و تأخیر زیاد همراه است.

علاوه از خطرات جانی که مهاجران غیرقانونی افغان را در مسیر راه به سوی ایران - ترکیه - اروپا و پاکستان طی این چهار ماه تهدید کرده و از میان این پناهندگان قربانی نیز گرفته است؛ اینان از همان منبع اولی قبل از رسیدن به سر مرز قربانی قاچاقبران انسان می شوند. با رسیدن به سر مرز عبور غیر قانونی، باید پول "صلائی" ملیشه های طالبان را بپردازند. "صلائی" اصطلاحی است که شبه نظامیان گروه طالبان در نقاط مرزی عبور غیرقانونی پناهندگان افغان به سوی ایران و پاکستان به پولی می گویند که از مسافران به زور می گیرند. این مقدار پول صلائی در مرز ایران یک یا دو میلیون تومان در ازای فی نفر اعم از کودک با فرد بالغ، گزارش شده است. این تازه آغاز غارتگری است. در مسیر راه به ویژه به سوی ایران قاچاقبر با سناریو سازی و مشکل تراشی در هر قدم توقعات بیشتر می کند و افراد رسیده به تهران یا شهر های دیگر، در پاره ای از موارد به گروگان قاچاقبران مبدل می شوند. این در حالیکه این تازه واردان به ایران به پول اجاره ای برای سرپناه و سائر لوازم زندگی فقیرانه در بزرگشهر های ایران نیازمند اند تا

کاری گیر بیاورند. در برخی موارد افراد ماه ها مقروض باقی مانده و اگر کاری شاق با مزد ناچیز هم اگر گیر بیاورند، اول باید قرض خود را بپردازند.

مشکلات افغان ها به پاکستان طور دیگرست. خلاف ایران، آنجا کار نیست و آن مؤسسات امدادی کمک به مهاجران، خدمات و کمپ های مهاجرت که در دهه هشتاد و اوائل دهه نود قرن گذشته در آن کشور دائر بود، دیگر وجود ندارد. افراد باید در شهر های پاکستان زندگی کنند. مشکل زبانی و فرهنگی هم بر سرش اضافه می شود. ثبت در اداره پولیس و تمديد ویزه مصیبت دیگری است که افغان های تازه وارد کم بضاعت باید تحملش کنند و پول بخور و نمیر خود را خرج آن کنند و در آن جا نیز با گرسنگی صبح را به شام برسانند. علاوه از خطرات امنیتی از سوی بنیادگرایان، وقتاً فوقتاً باید به پولیس شهر محل اقامت شان "حق" (جزیه) نیز بدهند.



منظره ای از صف طویل افغان ها در بندر اسلام قلعه برای خارج شدن از کشور

طی روز های اخیر به دلیل موج تازه سوئه جدید ویروس کرونا، طبق ادعای مقامات ایرانی "برای جلوگیری از ورود ویروس اومیکرون و شیوع بیماری کووید ۱۹ به داخل ایران"، ورود افغان ها به ایران ممنوع شده است. این ممنوعیت و یا محدودیت تازه وضع شده، هر دو ورود قانونی و ورود غیرقانونی را با مشکلات، محدودیت و موانع تازه ای رو به رو ساخته و بهانه ای به دست قاچاقبران و پاسداران فاسد و خون آشام شریک دزدی قاچاقبران، داده است. این وضعیت اسفبار و بحران مهاجرت جمعی ناشی از آن تا هنوز در افغانستان تحت سیطره فاشیست های قوم پرست و متعصب افراطی طالبان اجیر ادامه دارد.

در یک تصویر کلی، وضع نهایت آشفته، نامطمئن و ناگوار افغانستان، انحطاط کلی و زیربنائی و تبدیل شدن کشور به زندانی برای زنان و مردان بیکار، بی حقوق، گرسنه و اسیر آن در تحت سلطه خونین سرکوبگر و خشن مزدوران و مرتجعان اسلامی طالبان؛ پیامد بیش از چهل سال سلطه دو نیروی اشغالگر سوسیال امپریالیستی و امپریالیستی و ارتجاع ستمگر و ضد ملی بومی و جنگ و اشغالگری، به ویژه سلطه و سیاست های کهن استعماری امپریالیست های متجاوز امریکا - ناتو، دولت خیانت ملی "کرزی - احمدزی" و سیاست ها و توطئه های مشترک آنان طی ۲۰ سال اخیر برای تقویت ارتجاع شریر و ارزش های ارتجاعی و فرتوت اسلامی و جان گرفتن و برگشت مجدد گروه

خودفروخته طالبان به سرپر امارت وحشیان اسلامی است. مهاجرت دسته جمعی جوانان، روشنفکران، فرهنگیان و دانشمندان و نیروی کار کشور به شمول زنان و مردان، یکی از چندین تبعات مخرب این سلطه و سیاست استعماری – ارتجاعی، در کشور محسوب می شود.

هر چند مهاجرت و ترک دیار به دلایل امنیتی، اقتصادی، سیاسی، عقیدتی و یا هر دلیل دیگری؛ حق مسلم هر شهروند کشور است، ولی درمان اساسی درد مشترک به سویه ملی به ویژه برای زحتمکشانش تحت ستم و استثمار و بیکار، گرسنگان و زنان ستمکش و بی حقوق کشور، نیست. درمان این درد مشترک ستمکشانش، گرسنگان و محرومان باید در داخل مرزهای افغانستان جست و جو شود.